

فصله في البحر من بحر العلوم والاشرف في معرفة نجات و بابه و في معرفة تاليفاته
في الفقه و في بيان ما في البحر من اشرف في الفقه و في بيان ما في البحر من اشرف في الفقه
فصله في بيان ما في البحر من اشرف في الفقه و في بيان ما في البحر من اشرف في الفقه
فصله في بيان ما في البحر من اشرف في الفقه و في بيان ما في البحر من اشرف في الفقه

مولانا محمد تاج الدين

پسنگی از علمای برجسته و برگزیده کوهها من بود از کوه شجره و سلسله تاج
آفران بشمار این همه عالم ابن عالم بوده اند. مولانا تاج الدین بن ملا محمد طیب
بن ملا محمد شامیر بن ملا محمد وزیر بن ملا محمد دولت بن ملا تاج محمد
بن ملا خواجه محمد بن ملا محمد طلیح می باشند (۱) مولانا تاج الدین در سنه
۱۲۰۸ شمسی در قریه قره باغ کوهها من از کوه عدم به سعراوی وجود آمده
از خور دی نزد پدر بزرگوار خود به تحصیل علوم پرداخته علوم صرف، نجوم
معانی، بیان بدیع، منطق، حکمت، ریاضی، هیئت هندسه، فقه، ایوب میراث
تفسیر، حدیث، تصوف، اخلاق، تجوید، لغت، مناظرة، عروض را به بسیار زودی
از برکت ذکاوت فطری بیایمان رسانیده و به عمر ۲۲ سالگی مفتی و وکیل
قاضی محکمه استال مقرر شد مدت سه سال در اینجا مشغول وظیفه قضا بوده و سپس
در بولغین، نجراب، چار بسکار، بالویه و غلایف افتاد و قضا اجرا می کرد. علما
و مشایخ معروف شمالی عموماً از خوان علم آن مرد با فضیلت بهره گرفتند و
مولانا تاج الدین علاوه از اینکه یک عالم متبحری بود در شغل نویسندگی و استعداد
شعری هم داشتند. (۲)

(۱) ملیح با یک شخص روحانی گذشته وزیرانش مردیک کتاب بوده و مرجع خاص
و عام است. آن قبل اول را آغاز می باشد و بعد از آن در تالیف و تالیفات
(۲) فرار گفته بسر مولانا تاج الدین جناب موای عهد الباقی مفتی اول مرافعه ولایت
کابل که ازان بسیار منویات و قطعات تاریخ باقی مانده اگر بدست آمد البته در معرض
اشاعه خواهم گذاشت منجمله نمونه اشعارش در شعر آن که در همین دوران افتاد و فضای آن
بدست آمده عجلاناً تذکر میدهیم. بعد از آن در تالیف و تالیفات
اول : از قضا بنهاد بر سر بالیقین
دوم : بجان چون انداز شرح مبینم
مفتی شرع محمد (ص) تاج الدین .
قضا بنهاد بر سر تاج کدی هم رسد

- از تالیفات معروف و مألوف آن که در وقت امارت امیر حبیب الله خان شهید نوشته شده و حسب فرمایش بنیادین عبدالرسول خان چار بکاری در یکی از مطابع هندوستان طبع گردیده عبارت از کتاب : تحفة الامیر فی بیان سلوک الملوك والتدبیر است که از کتابخانه مولوی عبدالقدیر «شهاب» مدیر مدرسه قضاة کابل نواسه آن مرحوم بدسترس مطالعه ما رسیده است کتاب تحفة الامیر دو هنگ میکه مولانا تاج الدین در چار بکار قاصی بود نوشته و به طبع داده شده کتاب مذکور کتاب معتبر و خواندنی است طرز تحریر آن به اسلوب قدیم و موزون است ۲۲ فصل دارد اینک هر فصل آنرا در اینجا علیحدہ علیحدہ نشان میدهم :
- فصل اول در بیان اطاعت ملوک و مایفا سب لها
- فصل ۲ در بیان بی ثباتی جهان
- فصل ۳ در بیان خلافت و صفت آن
- فصل ۴ در بیان شکر و فواید آن
- فصل ۵ در بیان عدل و احسان
- فصل ۶ در بیان ظلم و قبح آن
- فصل ۷ در بیان مشوره و فواید آن
- فصل ۸ در بیان حذر و حزم و احتیاط ایشان
- فصل ۹ در بیان حلم و ترک غضب
- فصل ۱۰ در بیان عفو و فواید آن
- فصل ۱۱ در بیان صلح و فواید آن
- فصل ۱۲ در بیان سیاست و فواید آن
- فصل ۱۳ در بیان وفای عهد و وعده
- فصل ۱۴ در بیان فضیلت سخاوت و قبح بخل
- فصل ۱۵ در بیان سلوک ملوک با رعایا
- فصل ۱۶ در بیان رعایت حقوق والدین و همسایه و معلم و ذوالقربی
- فصل ۱۷ در بیان وزرا و صفت ایشان
- فصل ۱۸ در بیان ندما و صفت ایشان

- جلودانی است در آئیند به چرخ و اعطان آران و جنگنامه خاان زمان که ظاهر
- فصل ۱۹ در بیان امرای عسکر و صفت ایشان
- فصل ۲۰ در بیان عاملان و صفت ایشان
- فصل ۲۱ در بیان سلوک و صفت آن
- فصل ۲۲ در بیان خاتمه رساله

این کتاب دارای ۱۳۴ صفحه و ۲۲ فصل است که بزبان فارسی و عربی عالمانه
تحریر گردیده است. کتاب بس مفیدی است اگر در امور طباعت و صحافت
سهولت پیدا شود لازم است که این کتاب دوباره طبع و فیض آن عام تر گردد
طور نمونه مقدمه آن را درین صفحه نقل میکنم:

بسم الله الرحمن الرحيم
سیاس فزون از حد و قیاس مرا حدی را سزا است که نظام مهام سراسر ممرام اند
بنی نوع انسان را بوجود صلاح آموذ شاهان ذی شان زمان آراسته و مملوک نظام
وسلاطین وقت و آن پیراسته نمود که السلطان فی البلد کالروح فی الجسد شد
وسلاح معاش عباد و فلاح معاد عباد این امت عالی همت و الانهت را بعد از امر شان
بطاعت خود و اطاعت جناب حضرت رسول مقبول باطاعت سربا منصفعت شاهان
ذی شان زمان شائسته و مملوک و سلاطین وقت و آن بائسته فرمود که اطیعوا الله
و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم و در دنیا معدود سعادت و رزق بر و اضع قواعد
شریعت و بانی مبانی دین و ملت و قائل مقوله معقوله بی رب و شبهت المسلمک
و النبوۃ و امان و برآل و اصحاب عظام و اصحاب کرام الی یوم القیام باد.

نزد خردشاهی و پیغمبری چون دو سنگین اند و یک انگشتری
گفته آنها که آ زاده اند کین دو زیک اصل و نسب زاده اند
بعد از ان فصل اول را آغاز می نماید.

مولانا تاج الدین بعد از یک سلسله تدریس و تعلیم و افاده به مخلوق خدا سقه
بلاخره در سنه ۱۳۰۶ به عمر ۹۸ سالگی در قره باغ کنار ریز چشم از جهان
پوشید و در جوار مسجد بکه خود تعمیر نموده بود دفن گردید.

غلام حبیب نوابی